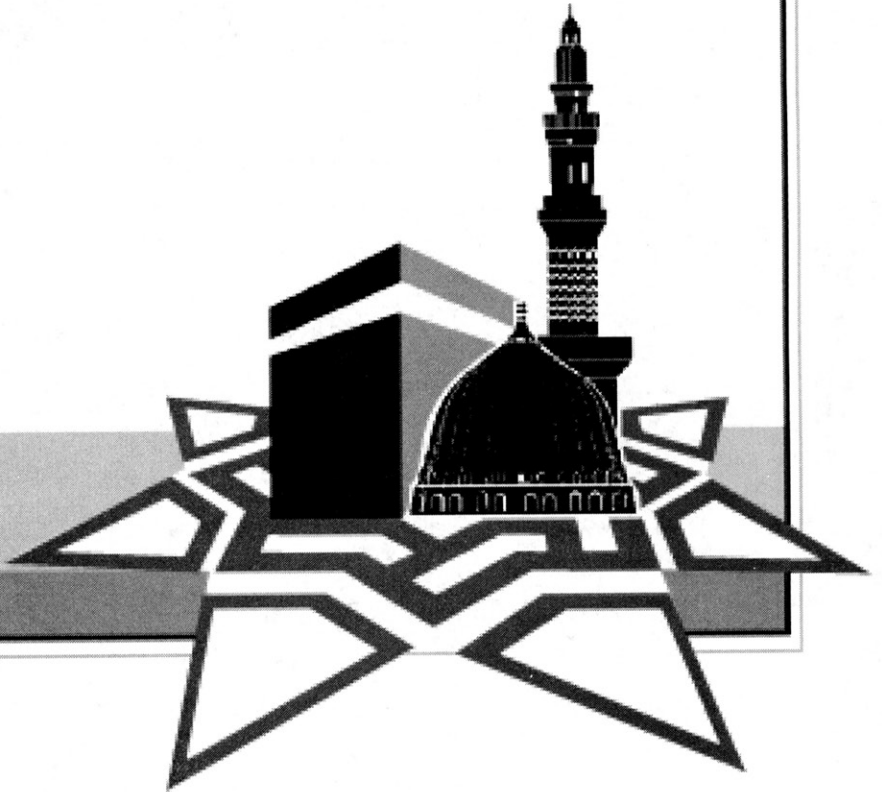


نقد و معرفی کتاب



المغانم المطابه فی معالم طابه

صبح زنگنه



مقدمه

درباره آثار و اماکن، دیدگاههایی چند وجود دارد:
دیدگاه اول بر این اساس استوار است که نباید به حفظ و نگهداری و معرفی آثار و اماکن تاریخی پرداخت. این دیدگاه، حفظ و معرفی آثار را نوعی شرک یا تعلق به آثار گذشته که ممکن است نوعی بت تلقی شود می‌داند.

دیدگاه دوم: اعتقاد گروه اول را ندارد، اما در عمل کاری به کار آثار نیز ندارد.
دیدگاه سوم: اهتمام فوق‌العاده‌ای به حفظ و نگهداری و معرفی آثار گذشتگان از خود نشان می‌دهد و آن را از نظر تاریخی نشانه‌ای مهم و عامل جلب سیاحان و جهان گردان و وسیله کسب درآمد می‌داند.

قرآن کریم آثار و اماکن را نشانه‌های پند و عبرت دانسته و بر ضرورت تفکر و تأمل در آن، تأکید نموده است.

از طرف دیگر، در روایات پیامبر - ص - و ائمه اطهار - علیهم السلام - بر محبت برخی اماکن و تقدیس آنها تأکید فراوان شده است.

این که پیامبر خدا - ص - شهر مدینه را محبوب مؤمنین دانسته و فرموده است:



«ایمان پایگاههایی دارد و شهر مدینه یکی از این پایگاهها است»

و این که فرمود:

«کوه احد ما را دوست دارد و ما او را»

و یا این که فرموده‌اند:

«بین حجره و منبر پیامبر، روضه‌ای است از باغها و روضه‌های بهشت».

و صدها حدیث دیگر، همه و همه حاکی از تعلق اماکن به حوادث و وقایع تاریخ اسلامی است و مایه توجه مسلمانان (به ویژه محققان و تاریخ‌نویسان) در زمینه ثبت و ضبط و معرفی آنها گشته است.

کتابی که در صدد معرفی آن هستیم، نشأت گرفته از اهتمام به شهر مدینه منوره و تاریخ و اماکن و مساجد مقدس آن است.

* * *

«المغانم المطابه» کتابی درباره مدینه منوره

مدینه منوره، پس از هجرت رسول خدا - ص - به آن، مورد اهتمام مورخان و محققان قرار گرفت و درباره آن صدها کتاب نگاشته شد.

این شهر که مرکز اولین حکومت اسلامی در جهان شد و تعداد بسیاری از سوره‌ها و آیات قرآن کریم در آن نازل گردید و شاهد تحولات عظیم شکل‌گیری جامعه اسلامی و تنظیم امور حکومت و پایه‌گذاری آن شد و در حومه آن، جنگها و حمله‌های متعددی رخ داد و پیام توحید و عدالت از آنجا به اطراف و اکناف جهان گسترش یافت. این شهر مورد احترام و تقدیس همه مسلمانان جهان است و از رسول خاتم، محمد بن عبدالله - ص - درباره آن احادیث زیادی وارد شده که محبت آن را در دل پیروان خود رویانند.

دهها کتاب درباره فضیلت و مقام و آداب زیارت شهر مدینه و دهها کتاب درباره تاریخ و تحولات و دهها کتاب در خصوص بیان اسامی این شهر نوشته شده است. به اضافه تعداد زیادی کتاب پیرامون محله‌ها و اماکن شهر و اطراف آن و همچنین دهها کتاب در مورد علما و اولیا و صلحا و حافظان قرآن و راویان احادیث تألیف یا تصنیف و تعدادی کتاب هم در

خصوص حوادث و اتفاقات و بلایای طبیعی که بر شهر و اطراف آن وارد آمده، تألیف گردیده است. شاید قدیمی‌ترین اثری که درباره این شهر نوشته شده، کتاب عبدالعزیز بن عمران الزهری المدنی، معروف به «ابن ابی ثابت الأعرج» باشد. ذکر نام این کتاب در «فهرست» ابن ندیم و «المناسک» حربی و همچنین در کتاب «تاریخ مدینه» ابن شَبّه، آمده است.

ابن عمران زهری مدنی، در سال ۱۹۷ هـ. وفات یافته است.

پس از ایشان، محمد بن الحسن بن زباله مخزومی مدنی است که کتابی درباره تاریخ مدینه نگاشته است. تألیف این کتاب در سال ۱۹۹ هـ. بوده است. از این کتاب اثری در دست نیست مگر برخی مواردی که سمهودی مورخ در کتاب خود «وفاء الوفا» نقل کرده است.

دو مورخ، یکی زبیر بن بکار (۱۷۲ تا ۲۵۶ هـ. ق.) و دیگری یحیی بن الحسن الحسینی المدنی (۱۲۴ - ۲۷۷ هـ. ق.) از این زباله مخزومی مطالب زیادی نقل کرده‌اند. زبیر بن بکار در زمینه‌های ادبیات و شعر کتابهای زیادی داشته و در مورد تاریخ مدینه، کتابی نوشته است تحت عنوان «کتاب اخبار المدینه» که ابن حجر در کتاب «الاصابه» خود از آن چند جا نقل قول کرده است.

فیروزآبادی در کتاب «المغانم المطابه» فصلی طولانی درباره محل سکونت قبایل در مدینه، از آن نقل قول نموده است.

ابن بکار، کتاب دیگری نیز داشته تحت عنوان «العقیق و اخباره» که در آن پیرامون وادی عقیق که از دشتهای واقع در حومه مدینه محسوب می‌شود، مطالبی به رشته تحریر درآورده است و «سمهودی» مطالب مزبور را در کتاب «وفاء الوفا» بطور خلاصه آورده است.

کتاب دیگر منسوب به ابن بکار «نوادر المدنیین» است که درباره شخصیتها و مشاهیر و ادبای مدینه است. یحیی بن حسن حسینی مدنی نیز کتابهایی نگاشته و در کتاب «مناسک» حربی، نقل قولهای متعددی از آن شده و سه نسخه از آن به دست سمهودی رسیده که آنها را خلاصه کرده است. ظاهراً این کتابها نیز در آتش سوزی مسجدالنبی - ص - از بین رفته است. عمر بن شبه‌النمیری (۱۷۱ - ۲۶۲ هـ. ق.) از مشهورترین مورخان مدینه‌منوره است. اغلب اطلاعات ابن شبه‌نمیری، از عالم مدینه، ابوغسان محمد بن احمد بن یحیی‌کنانی اخذ شده است.

ذهبی در کتاب «سیر اعلام النبلاء» گفته است:



«ابن شَبّه کتابی در اخبار مدینه تألیف کرده است که نصف آن کتاب کافی است تا امامت او را اثبات کند.»

سخاوی در کتاب «الاعلان» درباره ابن شَبّه می‌گوید:
 «این کتاب نزد دوست ما ابن فهد است که آن را از نسخه خطی شیخ ما نقل کرده و این نسخه اکنون نزد سید عقیق الدین است.»
 این کتاب به کوشش فهیم محمود شلتوت چاپ شده و در قم انتشارات دارالفکر افست گردیده است.

سمهودی درباره ابن شَبّه می‌گوید: «آنّه یوضح الأمور ایضاحاً تاماً و هو امام ثقة». سمهودی مطالب بسیاری از کتاب ابن شَبّه را در کتاب خود (وفاء الوفا) آورده است. دو دانشمند گرانقدر دیگری نیز کتابهایی تدوین کرده‌اند؛ یکی علی بن محمد مدائنی (۱۳۵ - ۲۲۵ ه. ق.) که از شاگردان عبدالعزیز بن عمران الزهری و جزء نخستین مصنفان، در رشته تاریخ و ادبیات و از مشایخ بزرگ مورخان است. ابن ندیم، دو کتاب از ایشان را نام برده است که یکی از آنها پیرامون حدود، کوهها و دشتهای مدینه است. در کتاب سمهودی، از مدائنی مطالبی در مورد واقعه حرّه نقل شده است.
 دومین شخص محمد بن عمر واقدی است (۱۳۰ - ۲۷۰ ه. ق.) که از علمای مدینه و دارای کتابها و تألیفات بسیاری؛ از جمله کتابی پیرامون واقعه حرّه است.

عبدالله بن ابی سعید وراق (۱۹۷ - ۲۷۴ ه. ق.) که از شاگردان زبیر بن بکار و عمر بن شَبّه، یکی دیگر از مورخان مدینه منوره است و از تألیفات ایشان، کتاب «المدینه و اخبارها» می‌باشد. در کتاب «مناسک» نقل قولهایی از ابی سعید وراق شده که از دامنه گسترده اطلاعات او حکایت می‌کند. کتاب «الآغانی» نیز مطالب زیادی پیرامون برخی از شعرای مدینه از آن نقل کرده است.

هارون بن زکریا الهجری (قرن سوم و چهارم ه. ق.) در وادی عقیق سکونت داشته و مسؤولیت آموزش امیر طاهر بن یحیی حسنی بر عهده وی بوده است. (این فرزند همان یحیی حسنی مورخ مدینه است که ذکر وی رفت).

هَجَری، در تحدید اماکن مربوط به مدینه؛ مانند عقیق، حدود نقیع و کوههای اشعر و اجرد اهتمام داشت.

کتاب دیگری تحت عنوان «کتاب المدینه» منسوب به شیخ صدوق، ابی جعفر محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی (متوفایه سال ۳۸۱) شده است. از دیگر کسانی که در مورد «تاریخ مدینه» تألیفاتی داشته‌اند، محمد بن عبدالرحمن بن زکریا المخلصی الذهبی (۳۰۵ - ۳۹۱ ه. ق.) است. گفته‌اند که نامبرده کتابی در زمینه اخبار مدینه داشته است.

رزین بن مطاویه عبدی سرقسطی اندلسی (۵۳۵ ه. ق.) امام الحرمین و مدتی طولانی مجاور مکه مکرمه بوده و کتاب «اخبار دار الهجرة» را تألیف کرده که در کتاب «تحقیق النصره» به قلم ابوبکر بن حسین مراغی ذکر آن آمده است.

محمد بن محمود معروف به ابن نجار بغدادی که حافظ و مورخ بوده (۵۷۸ - ۶۴۱ ه. ق.)، کتاب «الدرّة الثمینة فی اخبار المدینه» را تألیف کرده که چاپ شده است. از دیگر کتابهای ابن نجار بغدادی «نزهة الوری فی اخبار امّ القری» است. ابوالعباس عراقی حاشیه‌ای بر کتاب ابن نجار، در مورد تاریخ مدینه، نوشته که سمهودی یادی از آن در کتاب «وفاء الوفا» کرده است.

ابوالیمن عبدالصمد بن عبدالوهاب بن عساکر دمشقی و سپس مکی (۶۱۴ - ۶۷۶ ه. ق.)، کتاب «اتحاف الزائر» را در مورد تاریخ مدینه تألیف کرده است. سمهودی از این کتاب مطالب زیادی نقل کرده و ابن رشید اندلسی، در کتاب خود از آن یاد کرده است.

جمال الدین محمد بن احمد مطری (۶۷۶ - ۷۴۱ ه. ق.)، کتاب «التعریف بما انست الهجرة من معالم الهجرة» را در حاشیه کتاب «الدرّة الثمینة» ابن نجار نوشته است. بدرالدین بن عبدالله بن محمد بن فرحون (۶۹۱ - ۷۶۹ ه. ق.) کتاب «نصیحة المشاور و تعزیه المجاور» را تألیف کرده است.

عفیف الدین عبدالله بن محمد بن احمد مطری (۶۹۸ - ۷۶۵ ه. ق.) کتاب «الاعلام بمن دخل المدینة من الاعلام» نوشته است.

جمال الدین محمد بن عبدالملک المرجانی (۷۲۴ - ۷۸۱ ه. ق.) کتابی دارد درباره تاریخ مدینه.

احمد بن عبدالله بن حسن با عنتر السیوونی الحضرمی (۱۰۰۰ - ۱۰۹۱) حاشیه‌ای بر



کتاب «تاریخ مدینه» المرجانی دارد.

زین‌الدین ابوبکر بن حسین بن عمر المراغی (۷۲۷ - ۸۱۶ ه.ق.)، کتابهای ابن نجار و المطری («الدرة» و «التعریف») را خلاصه کرده و حاشیه‌ای بر آنها زده است (همان کتاب «تحقیق النصره بتلخیص معالم دارالهجره» است.

در پایان کتاب «البحر العمیق» در مناسک تألیف محمد بن ضیاء الحنفی (۶۷۰ - ۸۵۴) بحث مفصلی درباره آثار مدینه شده و نسخه‌ای از این کتاب در کتابخانه مکی وجود دارد. سپس نوبت فیروزآبادی شد و کتاب «المغانم المطابه فی معالم طابه» را تألیف کرد. (همین کتاب مورد نظر جهت معرفی).

پس از فیروز آبادی، محمد بن عبدالرحمان سخاوی (۸۳۱ - ۹۰۲ ه.ق.) کتاب «التحفة اللطیفه فی تاریخ المدینة الشریفه» را تألیف کرده است. از این کتاب خطی، تاکنون سه مجلد به صورت چاپی درآمده که تا آخر حرف عین را دربرگرفته است.

نورالدین علی بن عبدالله سمهودی (۸۴۴ - ۹۱۱ ه.ق.)، معاصر سخاوی بوده و مورخ مشهور مدینه به حساب می‌آید. توسط سمهودی چندین کتاب درباره مدینه تألیف شده که مهمترین آن عبارتند از:

الف: کتاب «اقتضاء الوفا باخبار دارالمصطفی» که در آن حاصل اطلاعات به دست آمده درباره تاریخ این شهر را با تفصیل ذکر کرده است. این کتاب به همراه سایر کتب در آتش‌سوزی مسجدالنبی از بین رفت.

ب: کتاب «وفاء الوفا باخبار دارالمصطفی» که خلاصه کتاب اول است و در آن مجمل اطلاعات به دست آمده از کتابهای تاریخ مدینه، از جمله کتابهای ابن زباله، یحیی الحسینی، ابن شبة، ابن النجار، مطری، مراغی و فیروزآبادی را گردآوری کرده است، این کتاب که دارای چهار جلد بوده و دوبار هم چاپ شده در سال ۸۸۸ تألیف شده امامورد تحقیق قرار نگرفته است. ج: کتاب «خلاصة الوفاء باخبار دارالمصطفی» که در سال ۸۹۱ تألیف شده، خلاصه کتاب دوم است. این کتاب نیز چاپ شده و به فارسی و ترکی هم ترجمه شده است.

سمهودی کتابچه‌ها و رسائلی نیز دارد که تاریخ برخی آثار نبوی را در آنها آورده است؛ مانند «الوفاء بما يجب لحضرة المصطفی» و رساله‌ای در خصوص غبارروبی و تنظیف حجره

مبارکه نبی اکرم - ص - و رساله «کشف الجلباب و الحجاب عن القدوة فی الشباک و الرحاب»، سید محمد کبریت المدني (۱۰۱۲ - ۱۰۷۰ ه. ق.) کتاب «الجواهر الثمینه فی محاسن المدینه» را تألیف کرده است که یک کتاب ادبی محسوب می‌شود و نه تاریخی.

کتاب «عمدة الأخبار فی مدینة المختار» از تألیفات شیخ احمد بن عبدالحمید العباسی، که خلاصه کتاب «خلاصة الوفا» به شمار می‌رود.

از معاصرین، عبدالقدوس انصاری کتاب «آثار المدینة المنوره» را تألیف کرده است. علی حافظ نیز از معاصرین است و مؤلف کتاب «فصول من تاریخ المدینة المنوره» می‌باشد. شریف ابراهیم العیاشی از عالمان شهر مدینه هم کتاب بارزشی با عنوان «المدینه بین الماضي و الحاضر» تألیف کرده است.

رساله‌ای هم درباره سور مدینه منوره و تاریخ احداث آن وجود دارد که از تألیفات شیخ محمد بن خضر رومی بوده و نام آن «التحفة اللطیفه» است.

در دیگر زبانها نیز کتابهایی راجع به مدینه منوره تألیف شده است، اما اغلب کتابها به زبان عربی می‌باشد که نام آنها را ذکر نمودیم.

نویسنده و محقق معاصر، سید محمدباقر نجفی، کتاب «مدینه شناسی» را به زبان فارسی تألیف کرده و به چاپ رسانده است البته تنها مجلد اول به چاپ رسیده و مجلدات بعدی تاکنون چاپ نشده است.

معاونت آموزش و تحقیقات بعثه مقام معظم رهبری نیز چندین کتاب درباره تاریخ مکه و مدینه به چاپ رسانده است که از جمله آنها است: «عرشیان» اثر استاد سید جعفر شهیدی، «آثار اسلامی مکه و مدینه» از رسول جعفریان، «تاریخ و آثار اسلامی مکه و مدینه» از اصغر قائدان، «سیری در سرزمین وحی» از علی اکبر حسنی.

کتاب «المغانم المطابه فی معالم طابه»

این کتاب از تألیفات محمد بن یعقوب بن محمد فیروزآبادی شیرازی است. مؤلف کتاب در سال ۷۲۹ ه. ق. در شهر کازرون که در فاصله حدود یک صد و پنجاه کیلومتری جنوب شیراز قرار دارد، متولد شد. فیروزآبادی به فقیه ابی اسحاق شیرازی (ابراهیم بن علی



بن یوسف) و از این جهت به ابی بکر، خلیفهٔ اول منسوب است. فیروزآبادی مراحل تعلیمی خود را در شیراز طی کرده و سپس به بغداد، دمشق، بیت المقدس، مصر، حجاز و یمن مسافرت کرد و از علمای این دیار مطالب زیادی آموخت و در زبان و علم لغت عرب تبخّر یافت و کتاب «قاموس» را تألیف نمود.

فاسی، مورخ مکه و سخاوی بیش از پنجاه کتاب از تألیفات فیروزآبادی را برشمرده‌اند. این تألیفات در رشته‌های لغت عرب، تفسیر و حدیث و تاریخ است.

فیروزآبادی چهار بار به مکهٔ مکرمه سفر کرد و در آن شهر اقامت گزید. از مکه به طائف رفت و با کاروان حاجیان عراقی رهسپار حج گردید. در مکه مدرسه‌ای بنا کرد و سه مدرّس بر آن گماشت. سپس به مدینهٔ منوره رفت و در آنجا نیز مدرسه‌ای احداث کرد و مشابه مدرسهٔ مکه برای آن مدرّس و برنامه مقرر ساخت.

پس از آن به مکه بازگشت و از آنجا رهسپار یمن گردید و مجدداً به مکه بازگشت و آخر سال ۸۰۵ به طائف رفت و سپس حج به جا آورد و بعد به مدینه و خلف و خلیف و زبید رفت (مدتی در زبید اقامت گزید) سپس به تعز رفت و به تدریس در مدارس مویدیه و مجاهدیه مشغول شد.

فیروزآبادی با پادشاهان و امرای عصر خود ارتباط داشت و لذا از طرف ملک اشرف و فرزندش الناصر احمد به ریاست قضات یمن منصوب شد به مدت بیست سال عهده‌دار این مقام بود. ایشان همچنین با عثمان، سلطان ترکها و تیمور لنگ نیز ارتباط داشت و از طریق ارتباط با پادشاهان به اموال و ثروت‌های هنگفتی نایل می‌آمد.

فاسی، شعر فیروزآبادی را زیاد و برخی از ابیات آن را نامیزان می‌دانست.

از کتاب فیروزآبادی برمی‌آید که ایشان به جمع‌آوری و تألیف می‌پرداخت و کمتر ابتکار به خرج می‌داد. به لحاظ مذهب، فیروزآبادی از علمای شافعیه و دارای گرایشهای متصوّفانه است. برخی از محققین این گرایش را عجیب دانسته‌اند؛ زیرا فیروزآبادی دارای امکانات مالی و ثروت زیادی بوده و در خرج کردن گاهی راه اسراف را در پیش می‌گرفته است.

گفته می‌شود که فیروزآبادی رساله‌ای هم در ردّ معترضان ابن عربی دارد و از این رساله نسخه‌ای در کتابخانه ظاهریه دمشق و نسخه‌ای در کتابخانه داماد در استانبول موجود

است. ایشان در این رساله، بنا به گفته شیخ حمدالجاسر در تحقیق خود، مخالف آرای علمای حدیث همچون ابن تیمیه است. از تألیفات فیروزآبادی می‌توان کتابهای زیر را نام برد:

- ۱ - «مهیج الغرام الی البیت الحرام»؛ نسخه‌ای از این کتاب در کتابخانه بغداد وجود دارد.
- ۲ - «اثارة الحجون الی زیارة الحجون»؛ درباره شخصیتها و علمای اسلام، که در منطقه حجون مکه مکرمه دفن شده‌اند، می‌باشد.
- ۳ - «احاسن اللطائف فی محاسن الطائف»؛ که اطلاعی از آن در دست نیست.
- ۴ - فصل الدرہ من الخرزہ فی فضل قریة السلامه علی الخبزہ» (درباره دو دهکده در حومه طائف است).

۵ - «تعیین الغرفات للمعین علی عین عرفات».

۶ - «الوصل و المنی فی فضائل منی».

۷ - «المتفق وضعاً المختلف صقاً» نام اماکن است.

۸ - «المغانم المطابه فی معالم طابه».

فیروزآبادی در ۲۰ شوال (۹۸۱ ه. ق.) در شهر زبید در یمن وفات یافت و در قبرستان شیخ جبرتی مدفون شد.

مشخصات کتاب «المغانم المطابه فی معالم طابه»

این کتاب از کتابهای مورخان پیش از مؤلف، بهره‌ها برده و در واقع مؤلف از کتابهای تاریخی، لغوی و حدیثی مطالبی را جمع‌آوری کرده و به صورت کتاب درآورده است. مورخینی که فیروزآبادی از آنها استفاده کرده عبارتند از:

۱ - زبیر بن بکار ۲ - ابن زباله ۳ - رزین العبدری الاندلسی

۴ - ابن نجار (مؤلف «الدرّة الثمینة») ۵ - المطری (مؤلف «التعریف بما انست

الهجره») ۶ - کتابهای ابن فرحون

سهمودی معتقد است که فیروزآبادی این کتاب را در زمان غیبت خود از مدینه تألیف کرده و لذا جای انتقاد آن باقی می‌ماند.

فیروزآبادی علاوه بر نقل از کتب مؤلفان پیش از خود، اشتباهات آنان را نیز اصلاح

می‌کرد. این رفتار فیروزآبادی، حکایت از دقت و علم ایشان است. کتابهای زمخسری و یاقوت حموی در برخی مواضع، مورد تصحیح و انتقاد فیروزآبادی قرار گرفته است. علامه حمد الجاسر (معاصر و ساکن ریاض است) که کتاب المغانم المطابه را تحقیق و تصحیح کرده، مواردی در معرفی کتاب فیروزآبادی آورده است.

۱ - فیروزآبادی در مقدمه خود، علت تألیف کتاب را چنین ذکر می‌کند که در سال ۷۸۲ هـ. ق. که به زیارت مدینه منوره نایل آمده است، در آثار و معالم آن بازنگری کرده و هیچ کتاب جامعی در مورد تاریخ آن نیافته، دست به تألیف کتاب «المغانم المطابه فی معالم طابه» زده و از اطناب مُمَلّ پرهیز کرده است.

در این کتاب شش باب منظور شده است:

- ۱ - در فضل زیارت و آداب آن.
 - ۲ - در تاریخ این شهر مقدس و ذکر ساکنان آن.
 - ۳ - در بیان نامهای مدینه.
 - ۴ - در بیان فضایل مأثوره و ساختن مسجد و نام بردن خانههای اطراف آن و ظهور آتش حجاز (آتش فشانی) و قبرستان بقیع و مشاهد شهر و مساجدی که پیامبر - ص - در آنها اقامه نماز نموده‌اند.
 - ۵ - در بیان اماکن مدینه (که طولانی‌ترین بخشهای کتاب و شامل برگهای شماره ۱۲۰ تا ۲۲۸ است) و همین بخش است که چاپ شده است.
 - ۶ - در بیان تراجم رجال مدینه که با آنان معاصر بوده یا مشایخ آن که وی یادی از آنان کرده و همچنین افرادی که در مدینه آثار نیکی دارند، گرچه در آن سکونت نداشته‌اند.
- شیخ حمد الجاسر، بخش پنجم را مهمترین بخش کتاب دانسته و آن را تحقیق و تصحیح کرده و به چاپ رسانده است.
- این بخش، بیشتر از کتاب «معجم البلدان» یاقوت حموی بهره برده و در آن تلاش نموده، هر چه نام مکانی که در مدینه یا اطراف آن بوده، بیاورد. با این وجود برخی از اسامی را از قلم انداخته و یا در معجم یاقوت حموی نیامده یا نتوانسته است آنها را از هم تمیز دهد که

آیا مربوط به شهر مدینه‌اند یا خیر.

سمهودی، اغلب مطالب کتاب را تلخیص کرده، به استثنای تراجم، تعدادی اسامی اماکن را نیز بدان افزوده است (اسامی اماکن را سمهودی از کتابهای «العقیق» تألیف زبیر بکار و الهجری گرفته است) اما اسامی را ضبط نکرده است.

به هر صورت، الجاسر، اضافات سمهودی را نیز در پایان کتاب محقق خود آورده است. اما علت عدم چاپ کامل کتاب چیست؟

حمدالجاسر که از علمای به نام کشور عربستان است و در روستایی واقع در حومه ریاض متولد شده، درس فقه و حدیث و ادبیات را به سبک حوزه‌های دینی قدیمی خوانده و مدتی به قضاوت اشتغال داشته است. طبعاً در برابر چاپ بخشهایی که مربوط به فضائل شهر مدینه و اماکن آن و احیاناً تقدیس و تجلیل جدی از آن اماکن و اعتقاد به توسل و شفاعت از دیدگاهی که مورد نظر یک دانشمند شافعی (فیروزآبادی) است، مشکلاتی دارد.

احتمال می‌رود که حمد الجاسر، که خود پرورش یافته مدارس طلبگی قدیمی مرکز نجد می‌باشد، تحت تأثیر افکار و عقاید ابن تیمیه قرار گرفته باشد.

اما هرگاه این احتمال به قوت خود باقی بود، می‌توانست مانع از اقدام به اصل کار وی در معرفی کتاب فیروزی آبادی گردد. لیکن الجاسر این کار را نکرده و صرفاً فصل پنجم را انتخاب و مورد تحقیق قرار داده و به چاپ آن مبادرت ورزیده است.

حمدالجاسر در تفسیر رفتار خود چنین اظهار نظر می‌کند:

«سزاوار این بود که کتاب به طور کامل چاپ می‌شد، از آنجا که باب اول آن حاوی مطالبی است که مخالف آرای علمای محقق چون تقی‌الدین ابن تیمیه و دیگران است و بسیاری خواندگانی که سعه صدر لازم جهت مطالعه چنین مطالبی را ندارند، مگر این که برای احادیث آمده در آن توضیح و نقد کافی ارائه شود و برخی از آرا و خطاها و اشتباه نویسنده آشکار گردد، به همین علت این کار را کنار گذاشتم تا یکی از علما بدان بپردازد و بعد به چاپ برسد».

ملاحظه می‌شود که نوعی هراس و نگرانی بر اندیشه محقق محترم سایه افکنده و تعبیر: «بسیارند خواندگانی که سعه صدر لازم جهت مطالعه چنین مطالبی را ندارند» مفسر هراس او است. این تعبیر نشان دهنده فضای دیگری است که به نظر می‌رسد خود ایشان

چندان از آن خشنود نمی‌باشد، هر چند همان نحوه تفکر را داشته باشد. همانطور که اشاره شد، الجاسر مراحل و مراتب علمی و طلبگی سنتی را در حوزه‌های مرکزی عربستان (نجد که مرکز و پایگاه تفکرات ابن تیمیه و محمد بن عبدالوهاب به شمار می‌رود) گذرانده و حتی منصب قضاوت بر عهده او بوده است، با این وجود از تمامی این اوضاع و کارها دست کشیده و به کار تحقیقات در زمینه‌های ادبی، تاریخی و جغرافیایی پرداخته است. همین خروج از بافت اشتغالات قبلی نشانگر روحیه دیگری است که حاکم بر کار ایشان است.

تخصّص در مسائل تاریخی و جغرافیایی از دیگر عللی است که می‌تواند مطرح باشد و در این زمینه باید اذعان کرد که نوعی بی‌طرفی بر تحقیقات علمی وی سایه افکنده است. هر چند در چندین مورد دیدگاهی خلاف دیدگاه فیروزآبادی یا دیگر مؤلفان ارائه داده است. برای مثال محقق محترم در صفحه ۴۵۲ به هنگام ذکر نام برخی از آثار مدینه که در کتاب فیروزآبادی نیامده، به کتاب مورخان معاصر همچون عبدالقدوس انصاری (آثار المدینه المنوره) و علی حافظ (فصول من تاریخ المدینه) رجوع کرده و از آنها استفاده می‌نماید، اما ضمناً تذکر می‌دهد که در کتابهای این دو محقق معاصر مواردی وجود دارد که از نظر بعضی از افراد آشنا به تاریخ مدینه جای تأمل دارد.

این انتقاد نرم و ملایم، بیشتر درباره نوع اماکن و فضائل و اعتقادات مربوط به آن می‌باشد، اما شیخ حمدالجاسر با لحن احترام‌آمیز خود، به راحتی از کنار آن می‌گذرد. در پاورقی صفحه ۱۸۸ به هنگام طرح رحلت پیامبر گرامی - ص - و آمدن ابوبکر در کنار جسد رسول اکرم - ص - که در آن فیروزآبادی به تفصیل گفته‌های ابوبکر را نقل می‌کند و از جمله این گفته را:

«خدايا! این رنج و محنت ما را به او (پیامبر - ص -) ابلاغ فرما...! ای محمد، نزد پروردگارت از ما یاد کن و ما را در خاطرت بیاور...»

در اینجا حمد الجاسر می‌نویسد:

«این عبارات از اضافات مؤلف است و در معجم نیامده است. خطاب به رسول - ص - و درخواست از آن حضرت، آن هم به هنگام مرگ، جایز نیست و پناه به خدا که ابوبکر مرتکب چنین خطایی گردد و مرتکب حرام شود.»

آنگاه می‌افزاید: «مؤلف - رحمه الله - اخبار نادرستی نقل می‌کند.»

در این مورد باز می‌بینیم که علامه حمدالجاسر سعی می‌کند راه را بر همفکران و هم مکتبهای خود ببندد. حال آن که توسل به رسول گرامی - ص - مورد اعتقاد تمامی فِرَق و مذاهب اسلامی است، به استثنای اندکی از گروههای متعصب.

در پاورقی صفحه ۱۱۳، در نقد گزارش مفصل فیروزآبادی در خصوص واقعه حره (که از مناطق شرق مدینه محسوب می‌شود) و حمله لشکر اعزامی یزید بن معاویه به مدینه منوره که در یک حمله، سه هزار و پانصد نفر از موالیان و یک هزار و چهارصد نفر از انصار و یک هزار و سیصد نفر از قریش را کشت و اموال مردم را غارت کرده و به یغما برد و به زنان تجاوز نمود و فرزندان مردم را آواره و بی‌سرپرست ساخت، آنگاه اعیان مدینه را برای بیعت نمودن با یزید احضار کرد و هر کس را که به نحوی تعلق نمود، گردن زد، در برابر تفصیلات این واقعه، محقق در پاورقی می‌نویسد:

«در نسخه ما در باب دوم مطلبی درباره حَرّه واقم وجود ندارد و آنچه مؤلف در این زمینه ذکر نموده است، مبالغه و اغراق آمیز به نظر می‌رسد و مورد تأیید نقل صحیح نیست و هیچ عقلی آن را باور نمی‌دارد!»

این در حالی است که «واقعه حَرّه» در کتب معتبر تاریخی به تواتر ذکر شده است و جنایات یزید بن معاویه و عمال او، لکه ننگی بر تاریخ آنان و بنی‌امیه ایجاد کرده که با هیچ جوهر و مدادی نمی‌توان آن را زدود و یا منکر وقوع آن شد. فیروزآبادی در ادامه شرح واقعه حَرّه آورده است که:

«واقعه حَرّه و قتل حسین - رضی الله عنه - و پرتاب سنگ توسط منجنیق، از شنیع‌ترین چیزهایی است که در ایام یزید اتفاق افتاد» (ص ۱۱۳ کتاب المغانم المطابه).

در هر صورت، شرایط حاکم بر فضای تحقیقاتی، علمی و مطبوعاتی کشور عربستان که متأثر از حضور سنگین نحوه تفکر خشک و تک بعدی و نارسای ابن تیمیه و محمد بن عبدالوهاب است، بر آثار و نوشته‌های محققان و مؤلفان این دیار در این دوره سایه افکنده و الجاسر به نوبه خود نمی‌تواند از این تأثیرپذیری مستثنی باشد. امیدواریم دیگر دانشمندان، دست به تحقیق و انتشار دیگر بخشهای این نسخه خطی ارزشمند بزنند.

شیوه تحقیق

شیخ حمدالجاسر، تلاش کرده متن صحیح و کامل مؤلف را عرضه کند، اما با ملاحظه این نکته که بسیاری از نامها نیازمند تصحیح بوده، به این کار پرداخته و با مراجعه به منبع مؤلف؛ کتاب «معجم البلدان» اشتباهات نسخه خطی را تصحیح کرده و عبارات تکمیلی را داخل علامت کروشه [...] قرار داده است. آنگاه به کتاب «وفاء الوفا» سمهودی رجوع نموده و اضافات و استدراک ایشان را در حاشیه، با حروف ریزتر ذکر نموده است و همچنین به یک نسخه خطی مربوط به قرن دهم از کتاب «وفاء الوفا» رجوع کرده و تلاش نموده تا در حد توان، خود نسخه را کامل کند و به چاپ برساند.

در انتهای کتاب، فهرست‌های نسبتاً متنوع و کاملی آورده که بسیار راه گشا است، گرچه در ترتیب اسامی بر اساس حروف گاهی اشتباهی بدان راه یافته و برای مثال «ابواسید» پس از «اسود» آمده و «ابوامامه» پس از «اکیدر» و...

از جمله فهرست‌ها، فهرست اماکن و مواضع، فهرست ملت‌ها، قبایل، فهرست اعلام (مردان و زنان) فهرست شعر، فهرست کتب، فهرست موضوعات و در پایان استدراکاتی آورده است. در این استدراکات، ۹ مورد آورده که الحق نشان دهنده جدیت و تداوم تلاش‌های محقق گرامی است.

وصف نسخه خطی

این نسخه خطی از مخطوطات خزانه شیخ الاسلام فیض‌الله افندی است که در استانبول به سال ۱۱۱۲ ه. ق. تأسیس شد و دارای شماره ثبت ۱۵۲۹ می‌باشد.

از مالکان این نسخه می‌توان به افراد زیر اشاره کرد:

۱ - محمد بن احمد بن اینال الدوادار الحنفی

۲ - احمد بن النجار الحنبلی (از علمای مصر بوده است)

۳ - عبدالرحمن البهوتی الحنبلی (ایشان نیز از علمای مصر بوده‌اند)

آنگونه که از عبارات آمده در آخر آن برمی‌آید، اصل نسخه از حجاز است:

«كان الفراغ من هذه النسخة المباركة في ظهر يوم الإثنين السابع من شوال أحد شهور سنة ست و ستين و ثمانی مائة بمنزلنا بمكة المشرفة، تجاه الكعبة المعظمة،

علی ید أقر عباد الله تعالى و أوجههم الی عفوه و غفرانه، ابوبکر أحمد بن محمد بن محمد أبی الخیر محمد بن فهد الهاشمی المکی الشافعی ختم الله له بالحسنى.»

کاتب این نسخه از مشایخ سخاوی است و سفرهایی به هند، مصر، قدس، الخلیل، غزه، رمله، حُمص، حماة و حلب داشته است و بر شیخ الاسلام ابن حجر تلمذ کرده و پیش از او، از پدر و برادر خود که از علمای مکه بوده‌اند، مطالبی آموخته بود.

احتمال دارد این نسخه به دست سخاوی رسیده و اندک حواشی بر چند صفحه آن زده باشد. این نسخه در ۲۷۵ صفحه تدوین شده که هر صفحه آن دارای ۲۵ سطر با خط نسبتاً خوب و ترتیبات مربوط به ذکر عناوین و بیان نامها در اوایل سطرها است. ترتیب اسامی و نامها الفبایی است.

در مجموع، در این یک جلد کتاب، مؤلف (ونیز محقق) بیش از دو هزار و سیصد و هفتاد و پنج نام از اماکن، کوهها، محله‌ها، باغها، چاهها، دره‌ها، دشتها و مساجد را نام برده و توضیح داده است.

۳۲۳	نام از ملتها و عشایر و قبایل را ذکر کرده است.
۸۶۸	مورد نام افراد (مردان و زنان) را ذکر نموده است.
۱۱۴۹	بیت شعر آورده است.
۱۲۰	مورد نام کتاب را ذکر کرده و از آنها استفاده نموده است.

چاپ اول این کتاب ارزشمند، به همراه تصحیح و تحقیقات عالمانه شیخ حمدالجاسر که به علامه جزیره العرب مشهور است، در سال ۱۹۶۹ م ۱۳۸۹ هـ.ق. توسط انتشارات «دارالیمامه» در ریاض صورت گرفته است.

به ضمیمه تصویر چند صفحه از صفحات نسخه خطی مزبور آورده می‌شود: